



تهران با همکاری با کشورهای همسایه و ساختارهای شرقی توانست فشار تحریمی آمریکا را کم‌تر کند

باد به پرچم شرق می‌وزد



فرهیختگان دولت ترامپ با این جمع‌بندی که می‌تواند در بازه زمانی کمتر از ۶ماه ایران را به میز مذاکره برای تحمیل خواسته‌هایش بکشاند، در سال ۲۰۱۸ ز توافقی هسته‌ای خارج شد. حاصل این خروج، اعمال فشارهای سنگین به تهران در حوزه اقتصادی و ایجاد سایه جنگ بود. در این برهه کمتر هفته‌ای بدون مواضع ضدایرانی مقامات آمریکایی به‌انجام می‌رسید به‌گونه‌ای که آنها همیشه در حال تهدید و اعمال فشار علیه تهران و هر کشوری بودند که با آن ارتباط دارد. در آن دوره به‌دلیل تمرکز دولت وقت ایران بر ایجاد رابطه با غرب فشار سنگینی به مردم کشور وارد آمد. با وجود این دولت جدید ایران نگاه صرف به غرب را از دست‌ورکار خود خارج کرد و درکنار توجه به غرب، نگاه به شرق و تقویت روابط با همسایگان را سیاست خود قرار داد. در این دوره ایران به عضویت سازمان شانگهای درآمد، حجم روابط اقتصادی خود را با اتحادیه اقتصادی اوراسیایی افزایش داد و تلاش‌های نظام‌مندی را برای ارتقای تجارت با کشورهای همسایه آغاز کرد. چنین راهبردی توانست با تخلیه بخشی از فشار تحریم‌ها، دست ایران را حتی برای ارتقای روابط با غرب به‌ویژه کشورهای اروپایی بازتر کند. ایران با توجه به اثبات کارایی سیاست‌های جدید خود که فواید آن حتی در کوتاه‌مدت نیز ظاهر شده‌اند باید آن را به‌طور جدی تری پیگیری کند. البته باید در نظر داشت که تهران در سیاست جدید خود به دنبال از دست‌ورکار خارج کردن روابط با غرب نیست، بلکه هدف ایجاد موازنه در روابط خارجی کشور است تا از قدرت اعمال فشار کشورهای غربی در این رابطه کاسته شود.

ایران پیش‌تر با امضای تفاهنامه همکاری‌های راهبردی با چین جدید خود را در پیگیری رویه‌ای جدید در سیاست خارجی خود نشان داده است؛ قراردادی که دارای تاثیرات عملی و روانی در جایگاه تهران داشت. در ادامه به بررسی برخی دیگر از ابعاد سیاست‌های چندجانبه ایران پرداخته‌ایم.

اتحادیه اقتصادی اوراسیا

برخلاف سازمان همکاری‌های شانگهای که کارکرد آن عمدتاً سیاسی، امنیتی و اقتصادی است، اتحادیه اقتصادی اوراسیا عمدتاً ابعاد اقتصادی و تجاری دارد. اتحادیه اقتصادی اوراسیا یک بلوک اقتصادی متشکل از ۵کشور ارمنستان، روسیه، قزاقستان، قرقیزستان و بلاروس است که با برخورداری از حدود ۱۸۳ میلیون نفر جمعیت فعال، دارای هزار و ۹۰۰ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی، رتبه اول در تولید نفت، رتبه دوم در تولید گاز و رتبه چهارم در تولید برق است. این اتحادیه یکی از پررونق‌ترین بازارهای سرمایه‌گذاری در جهان به‌شمار می‌رود. اتحادیه اقتصادی اوراسیایی به‌عنوان یک جایگزین اوراسیایی برای اتحادیه اروپا با هدف ساخت یک بازار مشترک بدون موانع داخلی است. این اتحادیه ترفه‌های خارجی را بر واردات غیر از کشورهای عضو اتحادیه افزایش داده که منجر به افزایش فضای رقابتی میان محصولات تولیدی میان کشورهای عضو شده است. اتحادیه اقتصادی اوراسیایی همچنین به‌عنوان بستر مفیدی برای ایجاد موافقتنامه‌های تجارت آزاد با کشورهای خارجی در نظر گرفته می‌شود. همکاری بیشتر با اتحادیه اقتصادی اوراسیا باعث افزایش تجارت درون منطقه‌ای میان اعضای اتحادیه شده است. روسیه به‌عنوان بزرگ‌ترین کشور اتحادیه اوراسیایی بازاری ۴۰ میلیون نفری پیش‌روی تجارت ایرانی‌قرار می‌دهد. ایران در حال حاضر عضو ناظر این اتحادیه است اما این حال توانسته بخشی از مرادات تجاری خود را از طریق این اتحادیه دنبال کند.

براساس گزارش‌های سازمان توسعه تجارت و آماری گمرک ایران، حجم تجارت تهران با مجموع پنج کشور عضو اتحادیه اوراسیا در بازه یک‌ساله از آبان ۹۸ تا آبان سال ۹۹، سه میلیارد و ۴۱۹ میلیون دلار بوده است. از این میزان، یک میلیارد و ۹۱۱ میلیون دلار کالا (دومیلیون و ۸۶۳هزار تن) صادرات بوده است. مقایسه این بازه زمانی با سال قبلی آن حاکی از رشد ۵درصدی صادرات از نظر وزنی و رشد ۳۰درصدی از نظر ارزشی آن‌هم در شرایط کارزار فشار حداکثری آمریکا و شرایط کرونا است. در بازه یک‌ساله آبان ۹۷ تا آبان ۹۸ نیز صادرات ایران به اتحادیه اوراسیا از نظر وزنی مشابه بیش از دومیلیون و ۶۵۷هزار تن و به ارزش بیش از ۸۲۲ میلیون دلار بوده است. براساس گزارش گمرک، حجم تجارت ایران با اتحادیه اوراسیا در ۶ماه ابتدایی سال جاری نیز رشد قابل توجهی داشته است. بر پایه این گزارش در نیمه نخست امسال، بیش از ۵۵۵میلیون تن کالا به ارزش دو میلیارد و ۴۸۳میلیون و ۱۲ هزار و ۷۸۴ دلار بین ایران با اعضای اتحادیه اقتصادی گمرکی اوراسیا تبادل شده است که سهم صادرات ایران یک میلیون و ۱۶۷ هزار و ۸۵۸ تن به ارزش ۵۱۴میلیون و ۳۹۹هزار دلار و سهم واردات نیز چهارمیلیون و ۲۸۱هزار و ۴۵۳ تن به ارزش یک میلیارد و ۹۶۸میلیون و ۷۳۰هزار دلار بوده است. این آمار نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۱۲ درصد در وزن و ۴۰ درصد در ارزش افزایش داشته است. صادرات ایران در این بازه زمانی به کشورهای عضو این اتحادیه، از لحاظ وزنی حدود ۵۵درصد و از لحاظ ارزش ۳۶درصد افزایش داشته است. به‌عبارت ساده‌تر، ایران در شرایط تحریم دوره ترامپ و کرونا ۲۷۰میلیون دلار به روسیه، ۱۲۳ میلیون

دلار به ارمنستان، ۷۸میلیون دلار به قزاقستان، ۲۲۰میلیون دلار به قرقیزستان (نسبت به مدت مشابه ۳۴۱درصد در وزن و ۲۵۹درصد در ارزش افزایش) و ۹میلیون دلار به بلاروس صادرات داشته است. بررسی و مقایسه آمار و اطلاعات در بازه‌های زمانی مشابه بیانگر میانگین رشد ۳۰درصدی مبادلات تجاری فی‌مابین بوده است. جدا از ارزش صادرات، ایران توانسته در این مدت کالاهایی همچون دانه‌های روغنی و خوراک دام را که از کالاهای استراتژیک به حساب می‌آیند از طریق این اتحادیه وارد کند. ازسوی دیگر از آنجاکه اتحادیه اوراسیایی با کاهش استفاده از دلار، سهم پرداخت‌های تجاری با از ملی را به ۷۰درصد افزایش داده، می‌توان به کاهش استفاده از دلار در مبادلات تجاری خوشبین بود که این اتفاق در شرایط کنونی تحریم برای تجار ایرانی امیدوارکننده است. همچنین توافقی با اتحادیه اقتصادی اوراسیایی که در حال تبدیل شدن به یکی از قطب‌های مهم اقتصادی و سیاسی جهان است، علاوه‌بر اهمیت اقتصادی و تجاری، منافع سیاسی برای طرفین به‌همراه دارد. همکاری منطقه‌ای تاثیر قابل ملاحظه‌ای بر ثبات و امنیت اقتصادی دارد و به‌دلیل نزدیکی و دسترسی کشورمان به اتحادیه اقتصادی اوراسیایی، امکان گسترش همکاری‌ها در بخش‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، بانکی، حمل‌ونقل و خدمات فنی و مهندسی را فراهم می‌آورد. در شرایط منتهب جهان امروز، نفس شکل‌گیری یک سازمان منطقه‌ای قدرتمند اقتصادی نظیر اتحادیه اقتصادی اوراسیا در مناطق پیرامونی شمالی ایران، یک امر مثبت و در راستای منافع و امنیت ملی کشورمان است. تجارت آزاد کالا، سرمایه و خدمات موجب غیرامنیتی‌سازی و تنش‌زدایی در روابط بین کشورهای همسایه ایران در منطقه اوراسیا به‌ویژه آسیای مرکزی، خزر و قفقاز خواهد شد، فضای زیست منطقه‌ای را تلطیف خواهد کرد، موجب رشد و گسترش مناسبات تجاری کشورها یا یکدیگر خواهد شد و آثار سیاسی و امنیتی مثبتی را نیز به‌همراه خواهد داشت.

سازمان شانگهای

در شهریورماه سال جاری ایران به‌طور رسمی به عضویت سازمان شانگهای درآمد. این عضویت برای تکمیل، نیازمندی مل مرحله‌ای است که به‌طور معمول دوسال به‌طول می‌انجامد. با این حال حتی عبور از چنین مرحله‌ای برای تهران بسیار حائز اهمیت است زیرا سازمان شانگهای دارای ویژگی‌های مثبت چشمگیری است.

سازمان شانگهای پس از سازمان ملل متحد دومین سازمان بزرگ جهان از لحاظ وسعت به‌شمار می‌رود. این سازمان با ۳۷میلیون کیلومتر مربع یک‌چهارم جهان و ۶۰درصد از اوراسیا را شامل می‌شود. در بعد جمعیتی نیز سازمان شانگهای با جمعیت تقریباً ۳میلیارد و ۲۰۰میلیون نفری، ۴۰درصد از جمعیت ۷میلیارد و ۷۰۰میلیون نفری جهان را در سال ۲۰۲۱ از خود جای داده است. در بعد اقتصادی سازمان شانگهای با تولید ناخالص داخلی بیش از ۲۰ تریلیون دلاری خود ۲۲درصد از اقتصاد ۸۸تریلیون دلاری جهان را در دست دارد. در حوزه مبادلات اقتصادی این سهم این سازمان بیشتر است و به ۴۰درصد می‌رسد. همچنین بیشترین حجم از ذخایر انرژی جهان در کشورهای عضو سازمان شانگهای واقع شده است؛ در حوزه گازی با وجود کشورهای ایران، روسیه و ترکمنستان این میزان به نیمی از ذخایر گازی جهانی می‌رسد.

با وجود ظرفیت‌های گسترده و چندوجهی بودن سازمان شانگهای از لحاظ ماهیت کارکردی، تمرکز آن بر امور امنیتی قرار دارد. همین

موضوع باعث شده است برخی به آن لقب ناتوی شرقی نیز بدهند. بسا وجود این، برنامه‌ریزی اعضا بیش از آنکه روی تبدیل شدن به یک سازمان نظامی گسترده مانند ناتو باشد روی مبارزه با تروریسم تمرکز دارد. این موضوع نیز از چند جهت قابل توجه است زیرا یکی از مشکلات اصلی در آسیای میانه، جنوب روسیه و شرق چین، رشد تروریسم و فعالیت گروه‌های افراط‌گرا است. ازسوی دیگر تمرکز روی تروریسم مانع از فشارها و واکنش غرب می‌شود. عضویت در این سازمان که از حضور دو عضو دائم و دارای حق وتوی شورای امنیت شامل روسیه و چین بهره می‌برد، برای تهران امکان پیگیری منظم‌تر برنامه‌هایش برای ایجاد ثبات در منطقه و برنامه‌های توسعه اقتصادی را فراهم می‌کند.

سازمان اقتصادی اگو

سازمان اگو پیشینه‌ای قدرتمند در حوزه اقتصاد دارد. اگو نام جدید سازمان همکاری عمران منطقه‌ای است که در دوران جنگ سرد به‌عنوان بازوی اقتصادی سازمان سنتوپایه گذاری شد. سنتوپه‌عنوان شاخه نظامی و وظیفه‌هماهنگی میان ارتش‌های سه کشور ایران، ترکیه و پاکستان را برای مقابله با قدرت نظامی شوروی برعهده داشت؛ در طرف دیگر اما سازمان همکاری عمران منطقه‌ای نیز توسط این سه کشور ایجاد شد که هدف از آن ارتقای قدرت اقتصادی این کشورها برای جلوگیری از وقوع انقلابات مردمی و چپ‌گرایانه در آنها بود. هر دو شاخه نظامی و اقتصادی در این دوران با حضور و برنامه‌ریزی غرب به‌ویژه آمریکا و انگلیس ایجاد شده بودند. ایران پس از انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ ضمن خروج از سنتو به مدت چندین سال فعالیت سازمان همکاری عمران منطقه‌ای را نیز به دلیل ماهیت غربی‌اش تعلیق کرد اما مجدداً با توجه به اهمیت آن، این سازمان را با نام جدید «سازمان همکاری اقتصادی» (اگو) احیا کرد. نقطه اوج فعالیت‌های اگو در اوایل دهه ۹۰ میلادی رقم خورد، زمانی که با فروپاشی شوروی و سقوط دولت‌مورد حمایت مسکودر کابل، افغانستان به همراه پنج کشور آسیایی میانه و آذربایجان اگو پیوستند. با افزایش تعداد اعضا از ۳عضو به ۱۰ کشور این سازمان از قدرت و ظرفیت‌های قابل توجهی برخوردار شد. اهداف و شعارهای اگو نیز دقیقاً مواردی بودند که کشورهای جدید عضو به آنها نیاز داشتند. براساس اساسنامه اگو این سازمان وظیفه دارد برای توسعه اقتصادی پایدار کشورهای عضو تلاش کند. همچنین حذف تدریجی موانع تجاری و توسعه حمل‌ونقل تجاری و ارتباطات از دیگر اهداف این سازمان است. با توجه به توسعه نیافتگی جمهوری‌های استقلال یافته از شوروی و عدم دسترسی این کشورها به آب‌های آزاد سازمان اگو دقیقاً همان ساختاری بود که می‌توانست مشکلات آنها را حل کند. با وجود تمامی این ظرفیت‌ها و جمعیت ۵۰۰میلیونی و وسعت ۸میلیون و ۶۰۰هزار کیلومتر مربعی اعضا و همچنین بهره‌مندی گسترده تعدادی از اعضا از منابع انرژی، اگو چندان در امور اقتصادی کشورهای عضو دارای تاثیر نبوده است. با این حال تهران به‌عنوان عضو محوری سازمان اگو و کشوری که مقر اصلی این سازمان در آن قرار دارد همواره در تلاش برای احیای کارکردهای اگو بوده است. تهران ۲۵درصد از اعضا و ۲۰درصد از بودجه سازمان را تامین می‌کند. موضوعی که نشان می‌دهد ایران برای استفاده از ظرفیت‌های اگو عزمی جدی دارد. به نظر می‌رسد اگو در طول چند دهه اخیر بیشتر به دلیل اعمال فشارهای آمریکا فاقد اثرگذاری کافی بوده است. اما در وضعیت کنونی با توجه به خروج این کشور از افغانستان و فروریختن وجهه واشنگتن در منطقه و افزایش قدرت نسبی ایران باید در آینده در صورت

برنامه‌ریزی درست شاهد افزایش اثرگذاری اگو باشیم.

آسیب‌شناسی و راه‌حل‌هایی برای عضویت ایران

در سازمان‌های منطقه‌ای

صحت از عدم موفقیت ایران در ورود به سازمان‌های منطقه‌ای و استفاده مناسب از آنها به لحاظ مطلق صحیح هستند، اما اگر شرایطی که تهران در آنها گرفتار بوده است را در نظر بگیریم، نتیجه‌گیری قدری متفاوت‌تر خواهد بود. با این حال آنچه باید به‌عنوان راه‌حل در نظر گرفت، جایی میان این دو است. تهران در چنددهه اخیر با وجود تمامی مضللات و دشواری‌ها همواره برای عضویت در سازمان‌های منطقه‌ای کوشیده و با وجود عدم دستیابی به منافع حداکثری، در حداقلی‌ترین وضعیت، امکان دسترسی به این منافع را برای خود حفظ کرده است. بر این اساس آنچه برای تهران در این مسیر باید دارای اهمیت باشد، نه مباحث کلان و خارج از توان کشور بلکه بازی مناسب در همان محدودده‌ای است که تهران در آن با سختی مواجه نیست؛ زیرا به هر حال در سخت‌ترین وضعیت‌ها نیز بازه‌هایی برای فعالیت یک‌بازنگر وجود دارد. به‌عبارت دیگر اگر ایران قادر به عضویت در سازمان‌های اقتصادی بزرگ نیست، می‌تواند از راه‌هایی دیگر به منافع موجود در سازمان‌های اقتصادی دست یابد. در ادامه به بخشی از آسیب‌های موجود در حوزه عضویت ایران در سازمان‌های منطقه‌ای پرداخته و پیشنهاداتی نیز در همین زمینه ارائه شده است.

اهمیت هم‌راستایی اعضا

ایران در تعدادی از سازمان‌های منطقه‌ای عضویت دارد که دارای سنخیت و هم‌راستایی نیستند. به‌عنوان نمونه در سازمان دی‌ا که شامل ۸ کشور مسلمان در حال توسعه است، کشورهای عضو را کندگی جغرافیایی از غرب آفریقا تا شرق آسیا دارند. همچنین اعضای این سازمان به‌همراه سازمان اگو چندان با ایران هم‌راستا نیستند. این درحالی است که مجموعه‌های منطقه‌ای مثل شورای همکاری خلیج فارس که یک مجموعه منطقه‌ای سیاسی به حساب می‌آید هم‌راستایی اعضا باعث بالابردن کارایی آن شده است.

بنابراین یکی از مشکلات ایران عضویت در سازمان‌هایی است که اعضای آن با یکدیگر سنخیت خاصی ندارند. ایران در اینجا دو مسیر پیش‌روی خود دارد؛ نخست تمرکز و انکار بر ساختارهایی که به‌طور ذاتی با آن هم‌راستایی دارد مانند سازمان سیاسی-امنیتی شانگهای و در حوزه اقتصادی اتحادیه اقتصادی اوراسیایی. راه دوم نیز پیگیری سیاست‌هایی برای هم‌راستاسازی اعضای سازمان‌هایی مانند اگو است. در این سازمان ترکیه به‌عنوان یکی از اعضا در ناتو عضویت دارد و در سوی دیگر تعدادی از کشورهای عضو اگو در آسیای مرکزی در سازمان دفاع دسته‌جمعی به‌به‌ری روسیه عضو هستند. این کشورها در حوزه اقتصادی نیز تلاش دارند در قالب اتحادیه اقتصادی اوراسیایی و دیگر ساختارها فعالیت کنند. از لحاظ سیاسی نیز کشوری مانند تاجیکستان مدت‌ها پیر و عربستان سعودی بود و مواضعی ضد ایرانی اتخاذ می‌کرد. از این رو تهران باید با درپیش گرفتن یک دیپلماسی پر قدرت که در آن دستگاه دیپلماسی نه به‌عنوان یک دستگاه تنها و جدا بلکه به‌عنوان جمعیت‌کننده نهاد‌های داخلی برای اثرگذاری بر امور خارجی، در پی هم‌راستاسازی منافع کشور با اعضای عضو سازمانی مانند اگو برآید.

کاهش و مدیریت عاملیت آمریکا

آمریکایک عامل مؤثر در کاهش دستاوردهای سیاست خارجی

ایران است. این کشور مدت‌ها مانع از عضویت ایران در سازمان‌های منطقه‌ای بوده است، همان‌گونه که عضویت ایران در سازمان شانگهای به‌دلیل نگرانی اعضا از واکنش آمریکا مدت‌ها به تأخیر افتاد. ایران قادر به حذف عامل «آمریکا» در حوزه مناسبات منطقه‌ای خود نیست؛ چه از لحاظ انهدام توان این کشور یا حتی سازش با آن. با چنین شرایطی ایران باید به‌جای پیگیری حذف آمریکا به دنبال کاهش «عاملیت» و اثرگذاری و آشننگتن بر مناسبات خارجی خود باشد؛ همان‌گونه که تهران در سال‌های تحریم موفق به همکاری و دور زدن تحریم‌های واشنگتن به کمک آنکارایی شده که در ناتو عضویت هراس افکنی می‌کند. این مساله خود یک نگرانی مهم برای کشورهای منطقه است که در یک ساختار با ایران شریک هستند. برخی می‌گویند به‌دلیل وجود چنین مشکلی ایران تا پیش از حل مسائل سیاسی قادر به انتفاع از سازمان‌های اقتصادی نخواهد بود. به‌رغم صحیح بودن این مطلب اما برای حل آن یک راه دیگر نیز وجود دارد؛ ایران با تمرکز بر سازمان‌های اقتصادی، به‌جای پیگیری عضویت در سازمان‌های امنیتی، می‌تواند به کشورهای منطقه اثبات کند که به دنبال مسائل سیاسی نیست. حتی در حوزه سازمان‌های امنیتی منطقه‌ای نیز تهران باید به‌طور جدی همکاری‌های مرزی را برای کنترل قاچاق مواد مخدر و کالا مطرح کند و از ارائه رسمی و پرپرنگ هر پیشنهاد مترقیانه‌ای در حوزه‌های امنیتی و نظامی اجتناب ورزد.

کاهش تاثیرات امنیتی‌سازی

ایران هم‌اکنون نیز به‌دلیل تبلیغات غربی دچار مشکلات عدیده‌ای در فضای بین‌المللی است و از سیاست‌های امنیتی‌سازی، رنج می‌برد. کشورهای غربی همواره نسبت به نیات ایران در منطقه هراس افکنی می‌کنند. این مساله خود یک نگرانی مهم برای کشورهای منطقه است که در یک ساختار با ایران شریک هستند. برخی می‌گویند به‌دلیل وجود چنین مشکلی ایران تا پیش از حل مسائل سیاسی قادر به انتفاع از سازمان‌های اقتصادی نخواهد بود. به‌رغم صحیح بودن این مطلب اما برای حل آن یک راه دیگر نیز وجود دارد؛ ایران با تمرکز بر سازمان‌های اقتصادی، به‌جای پیگیری عضویت در سازمان‌های امنیتی، می‌تواند به کشورهای منطقه اثبات کند که به دنبال مسائل سیاسی نیست. حتی در حوزه سازمان‌های امنیتی منطقه‌ای نیز تهران باید به‌طور جدی همکاری‌های مرزی را برای کنترل قاچاق مواد مخدر و کالا مطرح کند و از ارائه رسمی و پرپرنگ هر پیشنهاد مترقیانه‌ای در حوزه‌های امنیتی و نظامی اجتناب ورزد.

کاهش توجه به سازمان‌های کم‌اثر

در ایران برخی از مجموعه‌های بین‌المللی مانند سازمان غیرمتمرکزها که دارای کارایی محدودی هستند، بیش از اندازه بزرگ تلقی می‌شوند. این سازمان‌ها در اصل کارکرد ملموس چندانی ندارند. به‌عنوان نمونه عربستان و امارات به‌منزله دو عضو جنبش غیرمتمرکزها جزء مهم‌ترین کنندگان آمریکا به خروج از بانک بودند و به مدت ده‌ها سال از زمان حمله رژیم صدام به ایران تاکنون درگیر جنگ‌های نیابتی علیه تهران بوده‌اند. روابط اقتصادی ایران با عربستان نیز تقریباً صفر است. از این رو جنبش غیرمتمرکزها تنها جنبه نوستالژیک و سنتی دارد؛ گرچه همچنان برخی از مزیت‌ها را برای خود حفظ کرده‌است. برای کارآمد ساختن نگاه تهران به سازمان‌های منطقه‌ای باید توجه بی‌ضابطه به چنین سازمان‌هایی کاهش یابد.

توجه به سازمان‌های موازی و تعارض منافع اعضا

ایران برای پیگیری سیاست‌های منطقه‌ای خود در حوزه سازمان‌های منطقه‌ای باید به نهاد‌های موازی موجود نیز توجه داشته باشد. در اینجا باید به دو سازمان منطقه‌ای که یکی بدون رقیب و دیگری دارای رقیب است، اشاره کرد. نخستین نمونه سازمان‌های منطقه‌ای است که در عرصه امنیتی فاقد رقبای متعارض منطقه‌ای است. اگر در سازمان امنیت دسته‌جمعی، روسیه به‌همراه قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان در سازمان شانگهای نیز عضویت دارند، چنین عضویت‌هایی اقدامی موازی با سازمان شانگهای به‌شمار نمی‌رود. در مقابل اما همچنان سازمان اگو دارای رقبای متعارض منطقه‌ای است. ترکیه که خود عضوی از اگو به‌شمار می‌رود، با ایجاد سازمان کشورهای ترک‌تبار و ارتقای ای دی پی روابط آن عملاً خود به ایجاد یک سازمان رقیب برای اگو دست زده است. به همین دلیل برای افزایش کارایی اگو نیز شاهد عدم همراهی آنکارا خواهیم بود. ایران باید برای مشکل سازمان‌های موازی و همچنین تعارض منافع اعضا ایده‌ای داشته باشد، در غیر این صورت تنها باید به حضور مؤثر در برخی سازمان‌ها مانند شانگهای و اتحادیه اقتصادی اوراسیایی بسنده کند.

منبع

۱- فرصت‌های اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در همگرایی با اتحادیه اقتصادی اوراسیایی / شهرام فرسانی، حاکم قاسمی و بهرام نوازنی

ظرفیت‌های کشورهای عضو شانگهای

	چین	روسیه	هند	پاکستان	قزاقستان	قرقیزستان	تاجیکستان	ازبکستان	مجموع
جمعیت	۱٫۳۹۷٫۸۹۷٫۷۲۰	۱۴۶٫۳۳۰٫۷۹۰	۱٫۳۳۹٫۳۳۰٫۵۱۴	۲۳۸٫۱۸۱٫۰۳۴	۱۹٫۲۴۵٫۷۹۳	۶٫۰۱۸٫۷۸۹	۸٫۹۹۰٫۸۷۴	۳۰٫۸۴۲٫۷۹۶	۳٫۱۸۲٫۸۲۸٫۳۱۰
تولید ناخالص داخلی	۱۵٫۶۸ تریلیون دلار	۱٫۴۷ تریلیون دلار	۲٫۶۲۳ تریلیون	۶۶۳ میلیارد دلار	۱۳۷٫۳ میلیارد دلار	۷ میلیارد دلار	۸ میلیارد دلار	۵۸ میلیارد دلار	۲۰٫۲۴۶ تریلیون دلار
حجم تجارت خارجی	۲٫۶ تریلیون دلار	۳۳۵٫۵ میلیارد دلار	۳۱۳٫۳۶ میلیارد دلار	۲۳ میلیارد دلار	۴۶٫۹ میلیارد دلار	۱٫۸۶۳ میلیارد دلار	۳۰۰ میلیارد دلار	۱۳۰٫۲۸۰ میلیارد دلار	۳٫۳۳۴ تریلیون دلار
بودجه نظامی	۲۵۲ میلیارد دلار	۶۱٫۷ میلیارد دلار	۷۲٫۹ میلیارد دلار	۸٫۸ میلیارد دلار	۳۷ میلیارد دلار	۳٫۶۸۴ میلیارد دلار	۸۰ میلیون دلار	۱٫۴۴۰ میلیارد دلار	۳۹۷ میلیارد دلار
تعداد نیروی نظامی	۲ میلیون نفر	۸۰۰هزار نفر	۱٫۱۴۵ میلیون نفر	۶۴۰هزار نفر	۴۵هزار نفر	۱۲هزار نفر	۹ هزار نفر	۶۰هزار نفر	۵ میلیون نفر